



مقدمه

ماهنامه انجمن داروسازان گیلان که با نام پرمعنای «حکمت» به صورتی منظم به انتشار خود ادامه می‌دهد، مجموعه‌ای مقبول و خواندنی است. در ماهنامه دارویی رازی هر از گاهی بخش‌های خواندنی‌تری از حکمت انتخاب و حضور خوانندگان رازی تقدیم شده است. در آخرین شماره حکمت - شماره ۲۱۰ / اردیبهشت ۹۰ - سر مقاله‌ای توسط همکار ارجمند جناب آقای دکتر ناصر جهانبخش اصلی به چاپ رسیده که می‌تواند برای همه داروسازان خواندنی و قابل تعمق باشد. رازی آمادگی خود را برای چاپ نظرات مخاطبان این مقاله اعلام می‌دارد و اعتقاد دارد که باز شدن باب گفتگو در مورد مسایل صنفی مقدمه‌ای برای یافتن راه حل‌های آن مسایل و مشکلات خواهد بود.

«ماهنامه رازی»

گل بود به سبزه نیز آراسته شد

وقتی اولین نامه جناب آقای دکتر آذرنوش معاون وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی و رئیس انجمن داروسازان ایران در خصوص شرکت تعاونی انجمن داروسازان ایران و گیلان واصل شد و بر اساس آن به این انجمن‌ها اجازه داده شد تا در زمینه ورود و توزیع دارو و کالا و تجهیزات پزشکی فعالیت نمایند، این بارقه امید در دلها روشن شد که بهایی به این انجمن‌ها داده شده است. گو این که در قسمتی از آیین نامه اجرایی این موافقت نامه اشکالاتی وجود داشت که قبلاً اشاره گردید. در گیلان پس از بحث و تبادل نظر فراوان در خصوص این که اگر این تعاونی برای تهیه و توزیع داروهای ساخت ایران تأسیس شود توجیه ندارد و در خصوص واردات دارو و کالاهای پزشکی قرار شد بررسی بیشتری

انجام گیرد.

ولی چشم‌ها به انتظار اولین حرکت شرکت تعاونی انجمن داروسازان ایران دوخته شده بود که علی‌الاصول باید بهترین حرکت باشد تا گوشه‌ای از دردهای بی‌درمان مردم این مرز و بوم را سامان بخشد.

اولین برگ برنده این شرکت ورود دارویی به نام «شریت مولتی سانستول» بود. با شنیدن این خبر مثل این که پتکی به سرم فرود آمده باشد، متحیر شدم. چه طور، در میان این همه داروهایی که مردم نیازمند آنها هستند این کالای فانتزی را انتخاب نموده‌اند. اگر این کار توسط یک سرمایه‌دار، یک تاجر، یک آدم بی‌اطلاع از مشکلات دارویی کشور انجام می‌گرفت، توجیهی داشت ولی توسط افرادی صورت گرفته است که حرف اول را در خصوص داروسازی کشور می‌زنند. مثل این که در میان همه کالاهای اساسی که این مملکت احتیاج دارد، مثل نان و برنج و گوشت و سایر کالاهای اساسی، اقدام به واردات موز بکنند. این حرکت، همان قدر که واردکننده موز در فکر توجیه اقتصادی آن بود، کوچک و باور نکردنی بود. کاری بود که انجام شده و به قرار اطلاع پارتی دوم دارو نیز وارد خواهد شد. داروی دیگری نیز به نام فروگلوبین نیز وارد شده، حتی برای پزشکان بروشور ارسال داشته‌اند تا از اثرات درمانی آن آگاه گردند. در حالی که همه دست اندرکاران نظام دارویی کشور می‌دانند که بازار دارویی ایران انباشته از قرص و شربت و قطره مولتی ویتامین و همچنین کپسول و قرص و شربت و قطره آهن است.

چرا کارشناسان که حرف اول مسایل دارویی این کشور را باید بزنند این قدر غیر

مسئولانه رفتار نموده‌اند؟ چرا در میان این همه داروهای نایاب و کمیاب که جامعه ایرانی دست‌بگیر آن است این نوع کالاهای خوش‌آب و رنگ را انتخاب نموده‌اند؟ شاید برای خودشان دلایلی داشته باشند. ظریفی می‌گفت چون قبلاً این دارو به طور قاچاق از طریق کیش وارد می‌شد، و خیلی دیگر از داروهای این شکلی مثل ویتامین E - سون سی و... در فروش با مخالفت وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی رو به رو بود این کار برای این صورت گرفته که بتوانند در کنار این کالا آن کالاها را هم بفروشند. در حالی که جامعه امروز ایران نیاز مبرمی به داروهایی مثل نیتروگانتین، آمیودارون، ایزوسورباید، گلی بن کلامید و خیلی از داروهای دیگر که هنوز وارد این مملکت نشده ولی توجیه درمانی بالایی دارند، وارد نمی‌شوند ولی مولتی سانستول وارد می‌شود. و در مقابل ارزی که برای ورود این داروها داده شده، وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی چه تذکری به مسئولان و واردکنندگان این داروها داده‌اند.

پس باید گفت که مردم هر چه در مورد دارو، داروخانه و دکتر داروساز و متولیان دارویی کشور می‌گویند حق دارند. وقتی رأس هرم داروسازی کشور اقدام به واردات دارویی می‌کند که هیچ‌گونه توجیه درمانی ندارد پس از دکتر داروساز فلان شهر کوچک که احتمالاً اگر موجب خطایی شود چه انتظار باید داشت. باید دست آن عده از داروسازانی را بوسید که حرمت کارشان را نگه می‌دارند و تن به خفت نمی‌دهند. به نظر من این یک نوع خفت است. اگر داروخانه از نظر اقتصادی نمی‌تواند اداره شود راهش این نیست، بلکه باید این اقتصاد بیمار را از مجرای

قانونی و با بالا بردن سود دارو و تعرفه داروساز جبران کرد. یک بار دیگر بخود بیایم و اندیشه‌های خود را بررسی کنیم.

برای این است که این زمزمه شنیده می‌شود که داروسازان جوان در مقابل هیئت مدیره انجمن داروسازان ایران جبهه گرفته‌اند چون اگر امیدی به همدلی اعضای هیئت مدیره داشتند جذب آن می‌شدند، نه این که فرار کنند و به فکر جبهه‌گیری باشند! اگر این سطور به منظور انتقاد از شرکت تعاونی انجمن داروسازان ایران نگاشته می‌شود معنایش آن است که انجمن داروسازان ایران باید در طرز تفکرش یک خانه تکانی اساسی بنماید. باید در افکار و اندیشه‌هایش تجدیدنظر نماید وگرنه با این روش راه به جایی نخواهد برد و روز به روز شکاف و اختلاف بین نسل جوان داروساز و انجمن داروسازان ایران بیشتر خواهد شد.

من آنچه شرط بلاغ است با تو می‌گویم

تو خواه از سختم پند گیر و خواه ملال

دکتر ناصر جهانبخش اصلی

تکمله

در آخرین لحظاتی که نشریه زیر چاپ می‌رفت، نامه‌ای از آقای دکتر ناصر جهانبخش اصلی پیرامون مطلبی که در بالا مطالعه نمودید به دستمان رسید که چاپ آن را نیز در رازی مناسب دیده و قضاوت را به عهده همکاران می‌گذاریم. نامه همکارمان را با هم مرور می‌کنیم:

دفتر ماهنام دارویی رازی

جناب آقای دکتر سیامک نژاد، سردبیر محترم

نشریه رازی

احتراماً، بقرار اطلاع واصله، مقاله اینجانب

دکتر ناصر جهان بخش اصلی در نشریه حکمت شماره ۲۱۰ / دوره جدید ۲۵ / اردیبهشت ماه ۸۰ تحت عنوان «گل بود به سبزه نیز آراسته شد» مقرر گردیده که در آن نشریه چاپ گردد از آنجایی که اهداف اینجانب در مقاله فوق به منظور تنویر افکار همکاران و نیز مسئولین محترم وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی بوده، لذا نظر به این که با استدلال‌هایی که همکاران محترم وزارتی در سمینار تبریز اعلام نمودند، اینجانب نیز پاسخ خود را دریافت نمودم.

با احترام دکتر ناصر جهان بخش اصلی

